

# سخن

شماره ۵

مردادماه ۱۳۳۷

دوره نهم

## تحقیق درست

اگر با اینهمه محقق که در روزگار ما هست هنوز ادب تحقیقی ما سست و بی‌مایه بنظر می‌آید جای دریغ است اما علت آنست که داعیه داران زمان ما کار تحقیق را زیاد آسان و خوار مایه گرفته‌اند. تا سی سالی پیش که هنوز اینهمه محقق در بین ما ظهور نکرده بود، کسانی مانند محمد قزوینی و همگنان او، اگر تحقیقی در مسائل ادبی و تاریخی میکردند دقیق و استوار بود. کار اینگونه محققان اگر بسیار نبود و بکندی و آهستگی پیش میرفت اما روشن و درست بود و تا حد زیادی مایه خرسندی و اطمینان می‌گشت. چنان محققى چون شوق طلب و درد تحقیق داشت با دقت و حوصله تمام در کشف مطالب و حل دشواریها، اهتمام می‌ورزید حتی اتفاق می‌افتاد که برای یافتن اصل و تمام شعری تازی که در جهانگشای جوینی آمده بود، چندین سال وقت و عمر می‌گذرانید. این مایه شور و شوق البته مایه حیرتست اما تا چنین شور و شوقی در محقق نباشد کار او نمی‌تواند مایه یقین و موجب اطمینان اهل نظر واقع گردد و حقیقت آنست که همین شور و شوق و دقت و حوصله شگرف است که کار محققان بزرگی مانند

شامپولیون وانکیتل دوپرون و فوستل دوکولانژ و بسیاری از همگان آنها را شکوه و عظمت جاودانه بخشیده است .

اما از اینهمه شور و شوق که در کسانی مانند محمد قزوینی بادقت و احتیاطی نزدیک بسرحد وسواس همراه بود ، در بسیاری از محققان ما امروز تقریباً هیچ نمانده است و ازین روست که کار بیشتر محققان ما امروز بیش و کم سست و ضعیف ، و آمیخته با بیدردی و شتابکاریست . این بیدردی و شتابکاری که آفت عمده کار درست است امروز چنان بر ما چیره گشته است که حتی شور و شوق ، و درد و ذوق دانش طلبی و حقیقت جوئی را از کسانی نیز که از عهده کار درست برمی آیند باز گرفته است و ادب تحقیقی ما را چنان ضعیف و بی مایه کرده است .

این شتابکاری ، محققان ما را بکجا می برد ؟ نخست به بیرسمی که آغاز سرگستگی است . زیرا هر نکته بی که مورد تحقیق اهل نظر است خود مسأله بی دیگرست و راه دیگر دارد که محقق باید رسم و راه غور و تحقیق در آن را بیابد . اما آنکه مجال اندیشه و تأمل ندارد ، این رسم و راه را نمی جوید و ناچار دستوری و قالبی ساخته و پرداخته را در تحقیق پیش می کشد و کار او یکنواخت و قالبی و گاه پوچ و بیفایده میشود . این دستور و قاعده ساخته و پرداخته ، هم اکنون در کار بعضی از محققان ما هست و کار آنها بهمین سبب سست و پست و بی حاصل و یکنواخت شده است . آنجا که تحقیق درباره شخصی ، گمنام یا نام آور ، مورد نظرست محقق ما دیگر بخود زحمت نمیدهد تا معلوم بدارد در تحقیق حال او چه نکته هاست که باید روشن کرد و کدام مطالب هست که هیچ بجستجو و پژوهش نمی آزد ؟ اگر آنکه احوال او مورد نظرست شاعری یا نویسنده بی است باسانی می توان راجع باو کتابی کلان ، و شاید در چندین مجلد نوشت ! اما چگونه ؟ این را محقق عالیشان شتابکار ما باسانی و از روی دستور و قالب معین میتواند انجام بدهد : درباره نام و لقب وی ، درباره تاریخ ولادت و وفات وی ، درباره معاصران و ممدوحان وی ، و درباره شماره آثار و سایر احوال وی ، اختلافهایی را که همیشه در سخنان تذکره نویسان هست ذکر میکند ، و بدون اینکه بخواهد یا بتواند در آن سخنان داوری کند آنهمه را بترتیب ، گرد می آورد و مخصوصاً ببهانه آنکه اوضاع و احوال محیط و عصر و اقلیم و زمانه او را روشن کند تمام اطلاعاتی را که در کتابهای تاریخ و کتابهای مسالك و ممالك در باب شهر و دیار آن شاعر و نویسنده آمده است

بتفصیل بی هیچ نقدی و تحقیقی نقل می‌کند و گمان می‌برد که باگرد آوردن چنین کتابی، حقیقت حال آن شاعر و نویسنده را تا آنجا که ممکن هست دریافته است و نکته بی ناگفته و ناشناخته باز نگذاشته است و غافلست که ازین تحقیق دستوری و قالبی بی‌روح و کم مغز، هیچ چیز تازه‌بی‌درباب آن نویسنده و شاعر معلوم نشده است و در واقع تحقیق و جستجوی او حاصلی نداشته است. آنجا نیز، که سخن در حق پادشاهی بزرگ یاسرداری نام آورست محقق که از رسم و راه درست تحقیق بی‌خبرست، شیوه‌بی و دستوری مبتدل دارد که آسان بکار می‌بندد و گمان می‌کند که از آن حاصلی بدست می‌آورد. اما آن شیوه و دستور قالبی و جامد که البته بهانه بی‌برای کاهلان نامجو پیش نیست بس آسان و ساده است: تمام روایتی را که در تاریخ‌ها و کتابها در آن باب هست گرد می‌آورد و بی‌آنکه اندیشه‌کننده بسیاری از آن روایات از یکدیگر گرفته شده است همه را در پی هم می‌آورد و مأخذ تازه و کهنه و روایات درست و نادرست همه را بهم در می‌آمیزد و بی‌آنکه هیچ بتواند در اختلاف این روایات داور می‌کند همه را یکجا فراهم می‌آورد و ناچار از جستجوی دراز پر دامنه بی‌که در آن باب می‌کند هیچ نتیجه بی نمی‌گیرد و کتابی کلان اما پوچ و بیفایده می‌پردازد که در آن یک سطر تحقیق و یک حرف تازه هم نیست. و اینهمه بسبب آنست که محقق ما رسم و راه تحقیق درست را نمی‌داند و چون بشتابکاری خو کرده است فرصت اندیشه در کشف حقیقت را ندارد و بدین جهت از بس شتابکاری، سرگشته میشود و نمی‌داند که مطلوب خود را کجا و در کدام راه باید جستجو نماید.

آفتی دیگر، سخت تر و زیان انگیز تر از آفت بیرسمی، در کار محققان ماهست که بیدقتی است. بیدقتی نیز حاصل شتابکاریست. این بیدقتی در تحقیق بلائی بزرگ است و بسا که از آن ضلالت‌های سخت برخاسته است. اتفاق می‌افتد که اشتباه بین دو اسم محقق را بخطائی سخت گرفتار کرده است که اندک دقتی ممکن بود او را از عواقب وخیم آن خطا در امان نگهدارد. بسیار پیش می‌آید که اعتماد بر نقلی نادرست، محقق ساده دل را گمراه می‌کند و بورطه لغزش می‌افکند. شاید در خیلی از موارد، این

بیدقتی از آنجا پدید می‌آید که محقق از فرط غرور و خود پسندی همه بر حافظه خویش تکیه می‌کند. حقیقت آنست که در کاری از اینگونه، اعتماد بر حافظه دام خطاست و ازین روست که محققان بزرگ جهان، از این اعتماد بر حافظه بر حذر بوده‌اند. مرحوم قزوینی گفته بود، که من اگر بخواهم آیه قل هو الله احد را نیز در جایی بیاورم، آن را از روی قرآن نقل خواهم کرد. این اندازه دقت و وسواس، شاید مبالغه آمیز بنظر آید اما بهیچ روی زائد و بی‌سبب نیست و شرط کمال دقت آنست که در هنگام رجوع بـمـآخـذ نیز محقق بدین نکته التفات کند که در آن مآخذ هم احتمال خطا و تصحیف هست و تا بدین نکته توجه نکند از آفت بیدقتی در امان نخواهد بود.

اما محقق را هیچ آفتی ازین بدتر نیست که بسرقت و انتحال کار دیگران عادت کند. این انتحالیگری نیز خود حاصل شتابکاریست. آن محققى که می‌خواهد در هر زمینه بی چیزی بنویسد و در هر مجموعه بی مقاله بی بامضاء او نشر بیابد تنها راه چاره را در آن می‌بیند که حاصل کار دیگران را غارت کند و بنام خود نماید. دربین محققان امروز ما کسانی هستند که از شتابکاری و شهرت جوئی، حاصل تحقیق دیگران را بغارت می‌برند و انصاف و امانت آنها تنها همین قدرست که نام آن محقق غارت زده را نیز جزء ده‌ها مآخذ دیگر که از همان بیچاره گرفته اند ذکر می‌کنند. نه فقط تحقیقات شرق شناسان اروپا، بلکه حاصل کار دانشمندان هند و مصر و شام و عراق را نیز بنام خود نشر می‌دهند و چنان فرا می‌نمایند که گویی آن تحقیقات را خود، از روی مآخذ اصلی، و بدون اطلاع از مآخذ و تحقیق دیگر انجام داده اند. گاه بسرقت و انتحال تحقیقات دیگران بس نمی‌کنند از محققان خودمان نیز که اکثرشان زنده‌اند و دربین ما راه می‌روند، بسی مطالب که بغارت می‌برند و بنام خود نشر می‌کنند. و با اینهمه، چنان این سرقت‌ها را بامهارت، می‌پوشند که از دیده ساده دلان پنهان می‌ماند و چون مآخذ دست اولی را که آن محقق بیچاره، بعد از سالها جهد و رنج پیدا کرده است بعین تکرار می‌کنند، ساده دلان می‌پندارند که مگر این محقق تازه کار بی هیچ واسطه بی همه آن مآخذ دست داشته است.

در کار تحقیق، چیره دستی همه آن نیست که محقق بداند آنچه

باید بنویسد. چیست نکته آنست که محقق باید بداند کدام چیزهاست که نباید بنویسد. زیرا، اگر درست است که تحقیق حجت منطقی است، در ترتیب و ترکیب آن البته هر چه حشو و معترضه است فایده‌ی ندارد و بلکه مایه تشویش ذهن و بیحاصلی بحث خواهد بود. ازین روست که محقق در کار خویش جز در هنگام ضرورت، به استطراد و اعتراض نمی‌پردازد و از ذکر آنچه بی‌فایده است و یاری‌ی بطلب او ندارد، احتراز می‌جوید. اینجاست که بسیاری از محققان امروز، خطا کرده‌اند و بگمراهی افتاده‌اند فلان محقق می‌خواهد در باب نویسنده‌ی یادانشمندی از اهل بلخ یا خوارزم سخن بگوید که در قرن چهارم هجری می‌زیسته است. درست است که باید محیط او را درست بشناسد و نیک بیان نماید اما لازمه این کار آن نیست که تاریخ بلخ یا خوارزم را از کهنه‌ترین روزگاران تمدن آغاز کند. همین بس که احوال و اوضاع آنسرزمین را در همان قرن چهارم هجری بیان نماید و اگر مرده ریگ تاریخ گذشته را نیز در سرگذشت آن نویسنده یا دانشمند، تأثیری و نفوذی بوده است آن را نیز بدقت دریابد و بشرح باز نماید والا محقق اگر عنان قلم را فروگذارد شاید کارش، بدانجا بکشد که در تحقیق حال هر شاعر و نویسنده بی‌تمام تاریخ جهان را بگنجاند و از تحقیق و جستجوی خویش هرگز نتیجه‌ی نگیرد و هیچ مشکلی را در احوال آن شاعر و نویسنده که منظورست حل ننماید.

جستجوی مآخذ و رجوع بهممه آن موارد که شاید ذکری از مطلب مورد نظر در آنها باشد، اولین قدم در راه تحقیق درست است. زیرا چون تحقیق نوعی حجت منطقی است، هر قدر در آن بآخذ گونه‌گون رجوع افتد حجت قوی‌تر و استقراء کاملتر خواهد بود. اما جستجوی مآخذ دقت و حوصله می‌خواهد و محققان بزرگ که شوق و درد تحقیق و طلب داشته‌اند بسا که در جستجوی کتابی نادر رنجها برده‌اند. بیرونی در جستجوی سفرالاسرار مانی چهل سال رنج برد تا سرانجام بدان دست یافت و حنین بن اسحق برای بدست آوردن بعضی از آثار جالینوس مجاهده‌های سخت کرد و چه مایه تفاوت هست بین آن محققان که عمری را در جستجوی کتابی می‌گذرانند تا مگر در آن نکته‌ی بیابند و مشکلی را بدان حل کنند با این بی‌همتان روزگار ما که از طلب و جستجوی کتابهایی نیز که در اروپا یا مصر یا هند چاپ شده است غفلت و تغافل می‌ورزند و بیهانه اینکه بدان کتابها دسترس نداشته‌اند خود را از فواید

و برکات تحقیق دقیق محروم می‌دارند

حقیقت آنست که کارمحقق حوصله و دقت می‌خواهد و درین کار هرگز نمی‌توان بعد از آنکه وسائل و اسباب درست و تمام فراهم نیست دست از طلب بازداشت زیرا آنجا که وسیله تحقیق فراهم نیست اصلاً بحث و غور در امری چه ضرورت دارد و تحقیق ناقص ناتمام بی‌اعتبار چه نکته‌یی را روشن می‌کند و غیر از «حرف مفت» چه نام دیگری بر آن می‌توان نهاد؟

دقت در استنباط نیز از لوازم و شروط کار تحقیق است و محقق راستین باید که در بدست آوردن نتایج و احکام شتاب بیهوده نرزد و از مدارک و مآخذ نیز فقط آنچه را در آنها هست استنباط کند تا بافت گزاف گویی و خیال پروری دچار نیاید و از راه تحقیق درست منحرف نگردد. از اینها گذشته، باید که محقق در شناخت ارزش اسناد و مآخذ نیز آن اندازه دقت و احتیاط داشته باشد که قریب لاف‌ها و گزاف‌ها و شوخی‌ها و نادرستی‌های مؤلفان اسناد و مآخذ را نخورد و آنهمه را بیهوده راست و درست و بی‌خلل نه‌پندارد و البته لازمه این مایه دقت و احتیاط آنست که آزاداندیشی و حق پرستی در وی بدان پایه رسیده باشد که بتواند نتیجه درست تحقیق خود را بی‌ملاحظه و بدون روی و ریا بیان کند و تعصب و غرض او را از بیان حقیقت باز ندارد. شرط این مایه حق پرستی و آزاداندیشی نیز آنست که محقق پیش از شروع تحقیق نتیجه مطلوب را در نظر نگرفته باشد و در حقیقت برای تأیید اندیشه قبلی خویش از راه تحقیق جستجوی شاهد و سند نپرداخته باشد.

اما آنچه از جستجوی مآخذ نیز مهم‌ترست دقت در نقل مآخذ و در استفاده از آنهاست. محقق باید از مدارک و اسناد خویش، با اصطلاح امروزه «سوءاستفاده» نکند و «پرونده دروغین» نسازد بلکه بقول لوسین نویسنده خوش ذوق یونان قدیم «انجیر را انجیر بگوید و کشتی را کشتی» و این نکته از شروط عمده و مهم کار هر محقق و هر مورخ آزاده و درست خواهد بود.

با اینهمه جستجوی مآخذ و استفاده درست از آنها وقتی ضامن درستی و استواری کار محقق تواند بود که در ذکر آن مآخذ نیز محقق بخل و خست یا بدسکالی و بی‌قیدی بکار نبرد و از هر کسی و هر جایی که مطلبی و نکته‌یی گرفته است با اسم و رسم و بدون روی و ریا آن را آشکارا بازگوید و

مطالب و مآخذ دیگران را بخود منسوب ندارد و حق آنست که محقق با ذکر این اسناد و مآخذ بر اعتبار قول خود میافزاید و از بار مسئولیت خویش میکاهد ، و برای آن کسی هم که در کتاب او نظر می کند این مایه یقین حاصل میشود که وی از نتایج تحقیق دیگران ، درین مورد بی خبر نبوده است و در هیچ موردی نیز قول او بی حجتی نبوده است و اگر خطایی بر دست او رفته است آن نیز از جانب او نیست از ناحیه کسانی است که سخنانشان مآخذ وی بوده است . در هر حال ، محقق که بدین نکته التفات ندارد و بعد یا سهو ، از ذکر مآخذ و مراجع خویش دریغ میورزد و هم بسرقت و انتحال متهم میشود و هم مسئولیت اشتباه و خطای دیگران را بگردن می گیرد و در همه حال ، کار او در نظر اهل تحقیق پست و بی ارج و بازاری جلوه خواهد کرد . لیکن هر چند ذکر این مآخذ و اسناد بر محقق واجب است ، افراط و مبالغه در این کار نیز پسندیده نیست و نشانه کژ ذوقی و خودفروشی و گرانجانی است . و آن محقق که در ذکر مآخذ گونه گون افراط میکند و برای هر قول متداول و مشهوری نیز بذکر مآخذ و نقل اسناد می پردازد ، مانند کسی است که در هر سخن بیهوده سوگند میخورد و ناچار شنونده را بشك و انکار وامیدارد و پیداست که این « توضیح واضح » را خوانندگان جز بر فضل فروشی و خودنمایی محقق حمل نخواهند کرد و از آن بجد سودی نخواهند جست .

باری ، در این مآخذ و اسناد که محقق با رنج و جهد بسیار از گوشه و کنار بدست می آورد ، البته باید بدیده دقت و نقادی بنگرد . بسا که اسمی یا تاریخی در آن مآخذ که در دست وی هست بفلط یا بتحریف آمده باشد . در اینصورت پیداست که اگر محقق بنای کار خویش را بر حسن ظن فراوان بگذارد ، هرگز نخواهد توانست آن غلط یا تحریف را درست نماید و اینجاست که وسواس و احتیاط بیرون از اندازه نیز مطلوب و پسندیده می نماید و حتی شرط کار درست قرار می گیرد و شك نیست که برای اصلاح و تصحیح چنین خطائی جستجو در کتابها لازم می آید و تا محقق کتاب شناس نباشد ازین ورطه رهایی نخواهد داشت . اما شناخت کتاب همه آن نیست که مانند کتاب شناسان امروز ما ، از کتاب تنها اسم و تاریخ

طبع و تالیف و نوع کاغذ و جنس جلد و اندازه بهای آن را بدانند و از مطالبی که در آنها هست و ازارزش و اعتبار و صحت و سقم آن مطالب بکلی بیخبر باشند . محققى که ارزش و اعتبار واقعى مطالب هر کتابى را نداند مآخذ و اسناد او بهم درمی آمیزد و تحقیقات او پست و بلند میشود و مایه قبول و اطمینان نخواهد گشت و تازه آن محققى هم که ارزش و اعتبار مآخذ و اسناد خویش را بدرست مى داند و در روایات میان درست و نادرست و استوار و سست تفاوت مى نهد، برای تصحیح و اصلاح اغلاط و اشتباهاتی که در مآخذ و مراجع او هست بساکه باید بدقت تمام در کتابهای دیگر جستجو کند و روزها و هفته ها در پی لفتى یا لفظى بگردد و برای صحت یا سقم استعمال آن شواهد و دلایل از مآخذ درست و معتبر پیدا کند تا از عبارتی که در مآخذ او هست معنی درست و دقیق آن را بتواند استنباط نماید. و این نکته نشان مى دهد که میدان تحقیق تاچه حد فراخ است و محقق در جستجو های علمى خویش تاچه اندازه باید بافق های دور دیده بدوزد و چگونه باید همه جوانب و اطراف خویش را با زیرکی و هشيارى بنگرد . بدینگونه ، راه تحقیق ، راهی سخت دراز آهنگ و نا هموار و پیچان است و پیمودن آن مرد دلیر مى خواهد و روح گستاخ و همت نستوه .

عبدالحسین زرین کوب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

